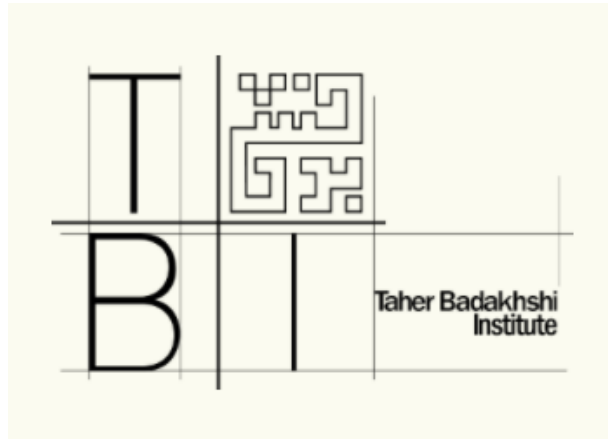




مجموعه مقالات طاہر بدخشی

ناشر

انستیتوت طاهر بدخشی

برلین / آلمان

کابل / افغانستان

Copyrights by „Taher Badakhshi Institute”

First published 2022

All rights reserved

Citation: Taher Badakhshi, Journal of the Taher Badakhshi
Institute, P. 130-134, 1: 2022

همه حقوق نشر، تکثیر و الگو برداری این اثر به

«پژوهشکده طاهر بدخشی» تعلق میگیرد

۲۰۲۲ م

استناد / نقل قول: طاهر بدخشی، مجله پژوهشکده طاهر بدخشی

صفحه ۱۳۰-۱۳۴، ۲۰۲۲

علامه طغری

مولوی سلیم بدخشانی

شهرت: محمد سلیم پسر آدینه از منطقه راغ بدخشان متولد 1317 قمری.

جاهای تحصیل: راغ، فیض آباد، کولاب بخارا، امام صاحب تالقان، درایم، جرم، زردیو، نهرین، پشاور، پنجاب، سوات و غیره... .

اساتید: داملا حیدر کولابی، مولوی حبیب، داملا صاحب سرای سنگ، مولوی حسام الدین، مولوی میرزا شاه اخگر، مولوی غلام نبی کاموی، صاحب اجل مولوی عبدالواحد، مولوی قاسم و مولوی بهادرخان از همه بیش‌تر سیر و افاق و نفس.

محل تدریس: راغ، تالقان، جرم، درواز، کابل.

وظایف: مدرسی دایمی، قضاء، وکالت شوری و انزوا.

زکاوت‌ها

در پانزده سالگی وقتی که به سیر آفاق آغاز کرد، هر کتاب درسی فقه و صرف ونحو را که شروع می‌کرد بعد از چند درس، استاد خودش تا اخیر می‌خواند و به نزد استاد امتحان می‌داد و می‌پرسید: «مقصد از تحصیل دانستن و فهمیدن است یا وقت صرف کردن؟ اگر اولی منظور است خوب اینک میدان امتحان، اگر دومی مقصد باشد، من حوصله ندارم.» خلاصه، نصاب ۲۰ سال معموله (مولوی شدن) را در ۶-۷ سال تمام کرد و فقط منطق بود که این عالم جوان را جلب کرد و آنرا به‌مثابه‌ی کلیدی یافت که هر قفلی را می‌توانست توسط آن بگشاید و بعدها آنرا تا اخیر تعقب کرد و به درجه‌ای رسید که مرحوم مولوی کاموی که خود منطق‌دان بزرگ بود، می‌گفت: «مولوی سلیم خود منطق مجسم است.» همین‌طور مولانا به اوج فلسفه و حکمت قدیم رسید و بر رموز اسرار بوعلی سینا، فارابی و معلم اول کاملاً وارد شده، سوالی از مشکلات علمی آن‌ها را بی‌جواب شافی و کافی نمی‌گذاشت و اسباب و رضایت مسایل کوچک و بزرگ را فراهم می‌کرد.

ذکاوت‌های این منطق‌دان بزرگ وقتی خوب روشن می‌شد که سمندر غوریانی و دیگر اهل مطالعه فلسفه‌های جدید و علوم نو، مسایل کاملاً تازه‌ی قرن بیست را به مباحثه می‌گذاشت و مولانا در پرتو ذکاوت‌های خود آن‌ها را جواب می‌داد و سوالی طرح می‌کرد که آزمایش‌گران وارخطا شده، سطحی بودن‌شان در مطالعه آشکار می‌شد و علامه سلجوقی به نویسنده گفت که «فلسفه جزء شخصیت مولوی سلیم شده است.»

مقام مولانا در منطق و فلسفه قدیم

فهم خود مولانا از متون آثار بوعلی، فارابی و معلم اول و شیوه‌ی قدرت افاده، تدریس، شرح و تفسیر آن آثار و بالاخره برخورد مولانا به موضوعات فلسفه و منطق جدید بیکن، دکارت، کانت و هیگل مقام علمی او را در منطق و فلسفه نشان می‌داد. طوری‌که مولوی کاموی و علامه سلجوقی می‌گفتند:

«مولانا قربت و سمندر غوریانی از درک منطق و فهم فلسفی مولانا انگشت حیرت به دندان می‌گرفتند.» مولانا دو صحبت تاریخی در همین کابل کرده بود؛ یکی با میرمحمد قاسم خان که استاد بزرگ در فلسفه و منطق قدیم است؛ درباره جزء لایتجزای دیمقراطیس با ارتباط اتم امروزی، دیگری با علامه سلجوقی درباره‌ی بعد چهارم انشتین با ارتباط هندسه اقلیدسی. در پایان این دو مباحثه، مولانا مودبانه چنین نتیجه‌گیری کرد که این مسائل باید در مجموع و کلیات خود مطالعه شود، به‌صورت جداگانه و مجرد درست مفهوم نمی‌شوند و برای علماً معلومات اخباری و سطحی شایان نیست. این‌چنین مباحث عمیق علمی نباید به قسم امتحانی در سر راه و اداره بدون مطالعات وسیع قبلی و بدون مآخذ معتبر مطرح شود. مثلاً کسی‌که از بُعد چهارم حرف می‌زند، باید مانند رسم سه‌بعدی آن‌را بفهمد یا کسی از اتم سخن می‌زند حد اقل در باره‌ی طریق علمی شکستن اتم معلومات داده باشد. خلاصه مشکل گشایی‌های مولانا در غموض منطق و حکمت قدیم در مدارس شمال کابل و پشاور آن وقت مشهور شده بود.

مولانا شروحي بر کتب فلسفي و منطقي:- ميپذدي، هدايت الحکمه، صدر ا و تعليقات قاضي مبارک نوشته است و اميد است کدام شاگرد فلسفي مشرب شان آن ها را مرتب نموده و براي نشر و استفاده آماده بسازد. صحبت و مباحثات مولانا با موسي جاراالله (عالم اجتماعي بزرگ آسيای ميانه) و مولانا بهادرخان سرمدرس سوات و مولانا ميرزاشاه اخگر و مولوي فيض محمد و غيره در ميان طلبه‌ي فلسفه مشهور است. درس‌هاي اخير مولانا در تفسير و حديث در دارالعلوم کابل با وجود کهولت، نشانه‌ي قدرت و احاطه‌ي او در عربيت و فقاهايت بود.

مقام ادبي و بيدل شناسي

مولانا در ادب عرب مقام عالي داشت، چون نويسنده وارد در آن موضوع نيست، قضاوتي نمي تواند، اما از تحليل و تشريح قصايد ابن الفارض و فصوصالحکم ابن عربي در مجالس خاص مي نمود، درک مي شد که دسترسي کامل به ادب عرب دارند، اما در ادب فارسي خصوصاً در بيدل شناسي در زمان حيات خود در کشور همتا نداشت و انتقادات اوشان را بر افکار شاعر علامه سلجوقي تسليم نمودند و آن را به تعجيل حواله فرمودند.

در مسابقه تشريح چند بيت مولانا جلال الدين باوجود پيري در سال 1339 اشتراک و تفوق ادبي و علمي خود را تثبيت نموده اند.

مولانا يک تعداد ابيات بيدل و مولانا جامي را مفصل تفسير و تشريح کردند که شاهد مقام بلند ادبي اوست. خود مولانا از روي تفنن گاهي غزلي به سبک بيدل مي گفت. اشعارش داراي مفاهيم عالي فلسفي و تصوفي است که از يک اصالت حاکی ست. مولانا با وجود شهرت بيدل فهمي به حافظ ارادت درجه اول داشت و در توجيه اشعار لسان الغيب از خود مي رفت و از زيبايي شکلي و محتوي اشعار خواجه، فوق العاده متحسس مي شد.

شخصاً در میان بزرگان معاصر علم و ادب کلاسیک چنین یک شخص رمز فهم نکتہ‌رس را با چنان منطق برنده و ذکاوت سرشار ندیده‌ام و قرار شنیدگی ادیب پشوری در این اواخر چنین یک شخصی بوده است.

اما دریغ چنان انسان در چنین اجتماع، مصروف ابتذال ثقافت محیط خود شده، بی‌هوده حیاتش گذشت. عدم استفاده از چنین استعدادهای خارق‌العاده ضایعه بزرگی نه تنها به کشور، بلکه به انسانیت و ثقافت بشری است.

یکی از شاگردان

منبع:

اسدی، عبدالرسول (1351) مجله عرفان. کابل: ریاست تألیف و ترجمه.

نویسنده: محمدطاهر بدخشی

بازنویس: رامین رأفت، بدخشان، فبروری 2022